

لینک نتیجه مشابهت‌یابی: https://hamyab.sinaweb.net/Ci_result/apidetails/0B5A53B9B5E06420/16/48%

تحلیل محتوای مقایسه‌ای مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در کتاب‌های فارسی؛ دوره ابتدایی ایران و کتاب‌های دری صنف ابتدایی افغانستان

نوع مقاله: پژوهشی

* بهاره سازمند

** میثم موسوی

E-mail: bsazmand@ut.ac.ir

E-mail: maisam.1988.feb@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۴

چکیده

هدف کلی از این مقاله تحلیل محتوای مقایسه‌ای کتاب‌های درسی ادبیات فارسی دوره ابتدایی کشور ایران و کتاب‌های دری صنف ابتدایی کشور افغانستان برای تعیین جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی در محتوای این کتاب‌ها است. در این پژوهش از روش پژوهش تحلیل محتوای تلفیقی (کمی و کیفی) با رویکرد مقایسه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش ۶ کتاب فارسی پایه‌های اول تا ششم دوره ابتدایی در ایران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ و ۶ کتاب دری صنف‌های اول تا ششم دوره ابتدایی در افغانستان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ است. برای تحلیل محتوای کمی از نرم‌افزار SPSS و برای تحلیل محتوای کیفی هم از بررسی مضامین کتب درسی و تعیین شاخص‌های هویت ملی در کتاب‌های جامعه آماری استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نخست توجه به مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی ایران و کتاب‌های درسی دری صنف ابتدایی افغانستان کمتر از ۵۰ درصد بوده و دوم، درصد فراوانی مؤلفه‌های هویت‌بخش در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی در ایران بیشتر از کتاب‌های دری دوره ابتدایی در افغانستان است.

کلید واژه‌ها: هویت ملی، کتاب فارسی، کتاب دری، ایران، افغانستان، دوره ابتدایی.

* دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، نویسنده‌ی مسؤول

** دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

مقدمه

هویت پاسخی به سؤال چیستی و کیستی هر انسان است و مجموعه ویژگی‌هایی است که شخص را از شخصی دیگر متمایز می‌کند. بنابراین هیچ انسانی نمی‌تواند بدون هویت به حیات اجتماعی خود ادامه دهد. مفهوم هویت یکی از مهم‌ترین و جدیدترین مباحث دوره‌های مدرن و پست‌مدرن بوده و انواع مختلف دارد. بنابراین هویت هر انسانی مجموعه‌ای از انواع و اقسام هویت‌هاست. هویت در کلی‌ترین شکل خود شامل هویت فردی و جمعی است.

«بررسی ادبیات نظری و تجربی مبین آن است که شکل‌گیری و تغییرپذیری هویت، در فرایند تعامل خود با جامعه و متأثر دو دسته از عوامل خرد و کلان، از قبیل ویژگی‌های فردی و نظام شخصیتی و ویژگی‌های ساختاری و نظام اجتماعی انجام می‌شود. نکته دیگر این است که در تعریف هویت ملی نظرات مختلفی وجود دارد. بعضی از پژوهشگران بر عوامل عینی مانند جغرافیا، تبار و نژاد تأکید می‌کنند و برخی دیگر بر عوامل ذهنی که در احساس، اندیشه و درک مشترک ریشه دارند تأکید می‌کنند. صرف‌نظر از اختلاف نظر در مورد مؤلفه‌های اصلی هویت ملی، آن چیزی که در مورد آن اجماع وجود دارد این است که سازوکار اصلی تکوین هویت ملی برعهده نظام آموزش و پرورش و مدرسه است. بنابراین گفته می‌شود که نظام‌های آموزشی در شکل‌دهی به هویت ملی کشورها نقش بسیار مهمی برعهده دارند چون آموزش و پرورش اصلی‌ترین نهادی است که وظیفه درونی کردن ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه برعهده آن است. (شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۸)

آموزش و پرورش در ایجاد و تقویت هویت ملی در نسل‌های آینده کشور از ابزارهای متعددی استفاده می‌کند. در این بین کتاب‌های درسی مهم‌ترین ابزار نظام آموزش و پرورش در انتقال هویت ملی محسوب می‌شود. (نجان‌نهادی و قربانعلی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۳) «از آنجایی که دانش‌آموزان در سن کودکی آمادگی بیشتری برای یادگیری و آموختن دارند و آموخته‌های این سنین از پایداری زیادی برخوردار است، دوره ابتدایی نقش بسیار مهمی در انتقال هویت ملی بازی می‌کند؛ بنابراین شناخت چگونگی آموزش هویت ملی در این دوره از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. کتاب‌های متعددی در دوره ابتدایی با آموزش هویت ملی ارتباط متقابل دارند که مهم‌ترین آنها کتاب‌های فارسی هستند (نجان‌نهادی و قربانعلی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۳)؛ بنابراین مقاله‌ی حاضر

به دنبال آن است که به مقایسه‌ی جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی دو کشور ایران و افغانستان بپردازد و نقاط قوت و ضعف آن را بررسی کند.

سؤال‌های پژوهش

نویسندگان این مقاله درصدد هستند به این پرسش اصلی پاسخ دهند که موضوع هویت ملی به چه میزان در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی ایران و کتاب‌های دری دوره ابتدایی در افغانستان مورد توجه قرار گرفته است؟ و درصد فراوانی مؤلفه‌های هویت‌بخش در کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی در ایران و کتاب‌های دری دوره ابتدایی در افغانستان به چه میزان است؟

هم‌چنین سؤال‌های فرعی این پژوهش عبارت‌انداز:

- ۱- در محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی ایران بیشترین فراوانی مؤلفه‌های هویت‌بخش مربوط به کدام مؤلفه و به چه میزان است؟
- ۲- در محتوای کتاب‌های درسی دری صنف ابتدایی افغانستان بیشترین فراوانی مؤلفه‌های هویت‌بخش مربوط به کدام مؤلفه و به چه میزان است؟
- ۳- بیشترین سهم مؤلفه‌های هویت‌بخش مشترک در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی ایران و کتاب‌های دری صنف ابتدایی مربوط به کدام کشور است؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه نخست: به نظر می‌رسد توجه به مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی ایران و کتاب‌های درسی دری صنف ابتدایی افغانستان کمتر از ۵۰ درصد بوده و درصد فراوانی مؤلفه‌های هویت‌بخش در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی در ایران بیشتر از کتاب‌های دری دوره ابتدایی در افغانستان است.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی در ایران بیشترین مؤلفه‌های هویت‌بخش مربوط به مؤلفه‌ی ارزش‌های دینی - مذهبی و انقلابی باشد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد در کتاب‌های درسی دری دوره ابتدایی در افغانستان بیشترین فراوانی مؤلفه‌های هویت‌بخش مربوط به مؤلفه ارزش‌های اجتماعی ملی از قبیل احترام به بزرگ‌ترها، والدین، آداب سلام دادن، احترام به معلم و... باشد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد درصد مؤلفه‌های هویت‌بخش مشترک در کتاب‌های

درسی فارسی دوره ابتدایی ایران بیش از مؤلفه‌های هویت‌بخش مشترک کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی افغانستان است.

پیشینه پژوهش

در ایران پژوهش‌های زیادی در ارتباط با هویت ملی و آموزش و پرورش انجام شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

صالحی‌عمران و شکیباییان (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی، در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، ۲۷ جلد کتاب را مورد تحلیل محتوا قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به صورت متعادل به همه عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی در این کتاب‌ها توجه نشده است. از ۳۱۹۹ صفحه تنها در ۱۴۶ صفحه به هویت ملی پرداخته شده است. همان‌طور که سال نشر این پژوهش نشان می‌دهد پژوهش مذکور اگرچه به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی پرداخته است؛ اما این پژوهش مربوط به سال ۱۳۸۶ بوده و فاقد رویکرد مقایسه‌ای نیز هست.

خدایار و فتحی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش؛ مورد مطالعه دوره متوسطه» به تجزیه و تحلیل ۱۶ جلد کتاب‌های درسی تاریخ، زبان و ادبیات فارسی و جامعه‌شناسی در رشته‌های ریاضی و فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی در مقطع متوسطه به منظور بررسی جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی ایران و شاخص‌های آن پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده مبین آن است که مؤلفین کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش در منعکس کردن بعضی از مؤلفه‌های تاریخ معاصر و انقلاب عملکرد خوبی داشته‌اند؛ اما در زمینه تمدن ایرانی عملکرد آنها چندان مطلوب و رضایت‌بخش نبوده است. نتایج این پژوهش نیز متفاوت از پژوهش حاضر است زیرا فاقد رویکرد مقایسه‌ای بوده و در ضمن کتاب‌های درسی دوره متوسطه موضوع پژوهش بوده است.

صادق‌زاده و منادی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات و تاریخ دوره متوسطه رشته علوم انسانی» نمادهای هویت ملی را بررسی کرده‌اند که شامل پرچم، سرود ملی، جشن‌های ملی، نخبگان و مشاهیر ملی بود. نتایج پژوهش این دو پژوهشگر نشان می‌دهد که آموزش هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات و تاریخ دوره متوسطه ناقص بوده و به نمادهای تشکیل دهنده هویت

ملی توجه متوازی صورت نگرفته است. پژوهش صادق‌زاده و منادی هم ضمن این‌که متمرکز بر کتاب‌های درسی ادبیات و تاریخ دوره متوسطه رشته علوم انسانی بوده فاقد رویکرد مقایسه‌ای با کتاب‌های درسی دیگر کشورها از جمله افغانستان است.

قاسمی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی؛ با تأکید بر کتاب فارسی» به این نتیجه رسیده است که ۵۲٪ از عناوین کتاب‌های درسی فارسی در دوره ابتدایی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به همبستگی ملی پرداخته‌اند. این پژوهش نیز موضوع همبستگی ملی و شاخص‌های آن را مدنظر قرار داده و اگرچه موضوع مطالعه‌ی آن کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی است؛ اما اطلاعات آن تا حدودی قدیمی و مربوط به ۱۲ سال قبل است.

عبدی و لطفی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش، مورد مطالعه کتب تاریخ دبیرستان» به دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌اند که کتاب‌های تاریخ دبیرستان به چه میزان محتوای لازم را برای شناساندن و تقویت هویت ملی ایرانیان هستند؟ نویسندگان براساس روش پژوهش توصیفی به این نتیجه رسیده‌اند که تمایل به تقویت هویت ملی در کتب تاریخ دوره دبیرستان ضعیف و خنثی است.

منصوری و فریدونی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تبلور هویت ملی در کتب درسی؛ بررسی محتوایی کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی» به بررسی موضوع هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی پرداخته‌اند. نتیجه‌ای که از این پژوهش به‌دست آمده این است که میزان توجه به مقوله‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی بررسی شده تقریباً ۷٪ کل محتوای کتاب‌ها بوده است و بخش ناچیزی را تشکیل می‌دهد. کم‌توجهی به نقش داستان‌ها و اسطوره‌ها در تقویت روحیه ملی در کودکان هم از دیگر نتایج پژوهش مذکور است. در این پژوهش نیز اگرچه نویسندگان به کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی به‌منظور تبلور هویت ملی، در کتاب‌های درسی پرداخته‌اند، اما رویکرد مقایسه‌ای با کتاب‌های درسی دیگر کشورها در آن دیده نمی‌شود.

نوشادی و دیگران (۱۳۹۰) در پژوهش «نقش و کارکرد کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی در شکل‌گیری هویت ملی» به این نتیجه رسیده‌اند که به مؤلفه‌های هویت ملی، به‌طور متعادل، توجه نشده است؛ به‌نحوی که حوزه دینی و سیاسی به‌منزله‌ی رکن اسلامیت دارای بالاترین فراوانی با ۸۳ درصد است.

شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی مؤلفه‌های ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی» به این نتیجه دست یافته‌اند که در همه کتاب‌های «فارسی بخوانیم» دوره ابتدایی، کمترین ضریب اهمیت را جغرافیا و بیشترین ضریب اهمیت را میراث فرهنگی کسب کرده است. هم‌چنین مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب فارسی بخوانیم پایه پنجم با ضریب اهمیت ۲۱۶٪ دارای بیشترین توجه و اهمیت را داشته و رتبه اول را در بین تمام پنج‌پایه تحصیلی دوره ابتدایی کسب کرده است. در این پژوهش نیز اگرچه پژوهشگران به بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی پرداخته‌اند.

نجانهاوندی و قربانعلی‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر هویت ملی در کتب درسی؛ مطالعه موردی مطالعات اجتماعی» به این نتیجه رسیده‌اند که در مجموع از ۵۷۸ مورد، توجه به مؤلفه‌های هویت ملی، ۳۰۲ مورد (۵۲/۲۴) درصد به کتاب تعلیمات اجتماعی قبل از دوره تحول اختصاص دارد و در کتاب جدیدالتألیف مطالعات اجتماعی ۲۷۶ مورد (۴۷/۷۵) درصد است؛ لذا میزان توجه به هویت ملی، در کتاب دوره‌ی تحول بنیادین، اندکی کاهش یافته است. هم‌چنین توجه نامتوازن به مؤلفه‌های هویت ملی در هر دو کتاب مشاهده می‌شود. این امر در کتاب مطالعات اجتماعی دوره تحول بیشتر دیده می‌شود زیرا دو بعد وقایع و رخداد‌های ملی و مشاهیر و شخصیت‌ها حذف شده‌اند.

پورشکری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه: براساس مؤلفه‌های میراث فرهنگی» به این نتیجه رسیده‌اند که توجه به برخی از مؤلفه‌ها و کم‌توجهی یا بی‌توجهی به برخی مؤلفه‌های دیگر میراث فرهنگی، به دلیل حوزه‌ی گسترده‌ای است که میراث فرهنگی را در برمی‌گیرد و این که کتاب‌های مطالعات اجتماعی تلفیقی از چند رشته‌ی مختلف است و فقط بخشی از آن به میراث فرهنگی مربوط می‌شود.

همان‌طور که بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اگرچه تحلیل محتوای مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی در تمامی پژوهش‌های ذکر شده مدنظر قرار گرفته است؛ اما در هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام شده به‌صورت مقایسه‌ای به مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در کتب درسی ایران و دیگر کشورها پرداخته نشده است و این پژوهش **نخستین** پژوهش در ایران است که به جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی در

کتاب‌های درسی ایران و افغانستان به صورت مقایسه‌ای پرداخته است. شایان ذکر است که در رابطه با موضوع پژوهش حاضر نیز هیچ پژوهشی در کشور افغانستان نیز انجام نشده است و این نخستین پژوهش در این زمینه هم در ایران و هم در افغانستان است.

چارچوب مفهومی پژوهش

هویت واژه‌ای مجادله‌برانگیز است که بنا به چارچوب‌های روش‌شناختی متفاوت در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی، هر یک از صاحب‌نظران از منظری متفاوت به آن نگریسته‌اند و یکی از ابعاد هویت را در وجوه فردی، گروهی، طبقاتی، ملی، فراملی و... مورد توجه قرار داده‌اند. «به اجمال می‌توان گفت هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت به ارتباط خود با دیگری مربوط می‌شود و مبتنی بر تفاوت با دیگران است. هویت شیوه شناسایی «خود» توسط عوامل و متغیرهای «دیگر» است تا فرد خودش را بشناسد یا به دیگری هم بشناساند». (شارع پور و دیگران ۱۳۹۱: ۱۵۲)

فرهنگ عمید «هویت» را «حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر خصلت جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود» تعریف می‌کند. (عمید، ۱۳۷۵: ۲۵۱۳/۳ به نقل از منصوری و فریدونی، ۱۳۸۸) به‌طورکلی بخشی از هویت هر فرد ذاتی اوست و با او به دنیا می‌آید (جنسیت، قد، رنگ مو یا چشم، نژاد و مانند آن). اینکه ما از خصوصیاتمان چه برداشتی داشته باشیم و خود را چگونه ارزیابی کنیم تا حدود زیادی متأثر از چگونگی برخورد محیط پیرامون ما با ما و مقایسه‌ای که ما میان خود و آنان به عمل می‌آوریم است. بخش‌های دیگر تشکیل‌دهنده‌ی هویت، متشکل از نقش‌هایی است که در جامعه و محیط پیرامون شکل گرفته، ساخته شده و به ما محول شده است که به نظر می‌رسد مفهوم هویت ملی از این مقوله نشئت می‌گیرد. (صالحی‌عمران و شکیباییان، ۱۳۸۶: ۶۷) به تعبیر دیگر «هویت‌ها را نمی‌توان به شکلی ماهوی، یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد. آنها ذاتاً اموری رابطه‌ای هستند و باید مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که کنشگران با در نظر گرفتن چشم‌انداز دیگران، به‌مثابه ابژه‌ای اجتماعی، به خود نسبت می‌دهد» (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۳۳۲)؛ بنابراین، هویت امری اجتماعی است و به رابطه‌ی میان «خود» و «دیگران» در متن جامعه اشاره دارد که در پرتو تعامل افراد با یکدیگر، این مفهوم شکل می‌گیرد. (ولر، ۲۰۰۴: ۵) در نظریه‌ی اجتماعی «جرج هربرت مید»، جامعه‌شناسی که سازه‌نگاری تا حد زیادی تحت تأثیر آرای اوست، افراد و جامعه

همچون دو چیز متفاوت در تضاد با هم نیستند، جامعه همان مناسبات اجتماعی میان افراد است و افراد نیز خارج از مناسبات اجتماعی نمی‌توانند وجود داشته باشند. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷۴)

بنابراین «هویت جمعی می‌تواند برای انسان‌ها، ملت‌ها و یا دولت‌ها به کار رود و این هویت جمعی یا به خاطر برخی اشتراکات درونی و یا به خاطر مرزبندی میان خود و دیگری شکل می‌گیرد و یا به هر دو دلیل ایجاد می‌شود». (هوند، ۲۰۰۱: ۲۲) طبق نظر لپسیوس، شکل‌گیری هویت جمعی به دو صورت انجام می‌شود، یا براساس تعریف هویت جمعی خود در مقابل دیگری و یا براساس هنجارها و ارزش‌های خاص گروه و نهاد که شکل‌دهنده رفتار اعضای آن نیز است (سازمند و صوراناری، ۱۳۹۷: ۹۸۱)؛ در نتیجه می‌توان گفت مفهوم هویت دارای سطوح و مراتب مختلفی است و به‌طور کلی از دو بعد فردی و جمعی می‌توان آن را تعریف است. معمولاً هویت فردی در حوزه روان‌شناختی و هویت جمعی در حوزه جامعه‌شناختی مطرح می‌شود که در این میان هویت ملی یکی از سطوح عالی آن محسوب می‌شود.

هویت ملی به مشخصات و ویژگی‌هایی گفته می‌شود که یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌کند و در جامعه نوعی انسجام ایجاد می‌کند. هویت ملی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و حماسی را تشکیل می‌دهد. میلر در کتاب خود با عنوان ملیت، ویژگی‌های متمایزکننده برای هویت ملی را باور مشترک، پذیرفتن همدیگر در یک جامعه در کسوت هم‌وطن، هویت‌بخشی از طریق تداوم تاریخی، داشتن هویت فعال، پیوند به یک مکان جغرافیایی خاص و در نهایت اشتراک افراد در بعضی از موارد، «مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی که اغلب در گذشته به‌منزله‌ی منش ملی و امروز به‌منزله‌ی فرهنگ عمومی مشترک می‌شناسند» بیان می‌دارد. (منصوری و فریدونی، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۰) اسمیت هم بر این باور است که «هویت ملی بازتولید و بازتفسیر همیشگی ارزش‌ها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها، نهادها و سنت‌هایی است که تشکیل‌دهنده میراث متمایز ملت‌ها است و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث و یا عناصر ممکن است». (شارع پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۲) احمدی هم عوامل اصلی معرفی گروه‌ها به‌مثابه ملت‌ها با هویت مشترک را سرزمین، نیای مشترک، تاریخ و سرنوشت مشترک، زبان مشترک، فرهنگ مشترک، دین مشترک، اراده جمعی داوطلبانه و میراث سیاسی مشترک معرفی کرده است. (صادق‌زاده و منادی، ۱۳۸۷: ۱۳۰) هم‌چنین در تعریفی دیگر، «هویت ملی مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی،

فرهنگی و روانی است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود؛ لذا هویت ملی اصلی‌ترین سنتز و حلقه رابط میان هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است». (کوشا، ۱۳۸۷: ۱۸)

بازتولید هویت ملی ابتدا از درون خانواده شروع می‌شود. بعد از آن بخش مهمی از انتقال هویت ملی برعهده نظام آموزش و پرورش رسمی قرار دارد. دوتیچ (۱۹۹۸) بر این نظر است که اگر نظام آموزش و پرورش نتواند دانش‌آموزان را به هویت ملی‌شان معتقد و علاقه‌مند کند، ممکن است با تهدید سرکوب هویت خویش و روی آوردن کامل به دیگر هویت‌ها روبه‌رو شویم. فرایند هویت‌یابی انسان از دوره‌ی کودکی آغاز می‌شود و در دوران نوجوانی به اوج خود می‌رسد. این سنین بخش عمده‌ای از دوران تحصیل در مدرسه را شامل می‌شود. طبق نظر میلر مدارس را باید یکی از مکان‌هایی دانست که در آن هویت ملی مشترک دوباره متولد می‌شود و کودکان آماده تبدیل شدن به شهروندی دموکراتیک آماده می‌شوند. بنابراین آگاهی از چگونگی تعریف و برداشت کودکان و نوجوانان از هویت ملی خود به منظور برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی ضروری است. توجه به همین ضرورت‌ها باعث شده است که آموزش هویت ملی همواره یکی از اهداف آموزش و پرورش تلقی شود. (نجان‌نهادی و قربانعلی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۱)

«آموزش رسمی از عوامل بسیار مؤثر بر هویت افراد جامعه است و آموزش هدفمند، منابع درسی و معلمان از ابزارهای قدرتمندی هستند که می‌توانند از طریق درونی‌سازی زبان مشترک و محتوای کتاب‌های درسی نه فقط در تکوین و تقویت هویت فردی و اجتماعی نقش داشته باشند؛ بلکه همانند سپری محکم از تزلزل هویت ملی و استحاله ارزش‌های محلی ملی جامعه جلوگیری کنند». (معروفی و پناهی‌توانا، ۱۳۹۳: ۸۹)

درواقع یکی از ابزارهای مهمی که حکومت‌ها برای حفظ تمامیت ارضی و بقای سیاسی خود از آن بهره می‌برند نهاد آموزش و پرورش است. بنابراین آموزش و پرورش بخش عمده‌ای از زیربنای شخصیت و چارچوب فکری افراد جامعه را در ابعاد مختلف شکل داده و هدایت می‌کند. بدین ترتیب نظام آموزشی با سازوکارهای مختلف و به‌خصوص با استفاده از کتاب‌های درسی مناسب می‌تواند نقش مهمی در تقویت و ترویج هویت ملی هر کشور ایجاد کند. بنابراین کتاب‌های درسی، به‌واسطه‌ی بازنمایی مستمر و قدرتمند افراد و رویدادها، نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای دانش‌آموزان ایفا می‌کند. در نظام آموزشی، عوامل متعدد از قبیل معلم، کتاب‌های درسی، شیوه تدریس، شیوه ارزیابی، فضای آموزشی، فعالیت‌های فوق‌برنامه و نظایر آن

همگی در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان تأثیر دارند؛ ولی در نظام آموزشی متمرکز در بین تمامی عوامل گفته شده، کتاب‌های درسی نقش ویژه‌ای در هویت‌بخشی به دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. (شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۰)

بنابراین طبق نظر شارع‌پور و همکاران «شکل‌گیری و تعمیق هویت ملی از طریق برنامه درسی، از طریق دو سازوکار اصلی انجام می‌شود: برنامه درسی آشکار و برنامه درسی پنهان. مؤلفه اصلی برنامه درسی آشکار در این زمینه، محتوای کتاب‌های درسی است. به بیان دیگر، کتاب‌های درسی به منزله‌ی یکی از ارکان نظام آموزش و پرورش در شکل‌دهی به هویت ملی و تعمیق آن نقش اساسی برعهده دارند». (شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۰)

شاخص‌های هویت ملی

نویسندگان و پژوهشگران مختلف از منظرهای مختلف شاخص‌های متفاوتی را برای معرفی هویت ملی به کار برده‌اند. اگرچه در زمینه تعریف هویت ملی و شاخص‌های آن میان صاحب‌نظران و پژوهشگران اختلاف دیدگاه وجود دارد؛ اما در این پژوهش از شاخص‌های زیر برای تحلیل مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی بهره گرفته شده است: ارزش‌های دینی و مذهبی (ارزش‌هایی از قبیل ارزش‌های انقلابی، اسلامی، نمازخواندن، روزه‌داری، شهادت)

مفاخر ملی (چهره‌های علمی، ادبی، سیاسی، فرهنگی)
داستان‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی و تاریخی
جغرافیا (خاک، آب، مرز، کوه‌ها و دریاها و دریاچه‌ها)
آداب و رسوم ملی (جشن‌ها و مراسم ملی، روزهای ملی)
میراث فرهنگی (کتیبه‌های سنگی، کاخ‌ها، پل‌ها، نقاشی، صنایع دستی، موسیقی، نمایش)
ارزش‌ها و نمادهای ملی (پرچم، سرود، زبان، احترام به بزرگترها و والدین، شجاعت و ایثار)

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش روش تحلیل محتوا با رویکردی مقایسه‌ای است. در مطالعات مقایسه‌ای از هر دو روش کمی و کیفی استفاده می‌شود. بنابراین در این پژوهش از روش پژوهش تحلیل محتوای تلفیقی (کمی و کیفی) با رویکرد مقایسه‌ای استفاده خواهد شد تا به صورت دقیق میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی، در

کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی در ایران و کتاب‌های درسی دری صنف ابتدایی در افغانستان، به صورت مقایسه‌ای مشخص شود. جامعه آماری پژوهش ۶ کتاب فارسی پایه‌های اول تا ششم دوره ابتدایی در ایران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ و ۶ کتاب دری صنف‌های اول تا ششم دوره ابتدایی در افغانستان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ است. برای تحلیل محتوای کمی از نرم‌افزار SPSS و برای تحلیل محتوای کیفی از بررسی مضامین کتب درسی و تعیین شاخص‌های هویت ملی در کتاب‌های جامعه آماری استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای بررسی محتوای درسی درباره جایگاه و اهمیت هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی در ایران و کتاب‌های دری صنف ابتدایی در افغانستان، هفت مؤلفه‌ی مفاخر ملی؛ داستان‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی و تاریخی؛ جغرافیا؛ آداب و رسوم ملی؛ میراث فرهنگی؛ ارزش‌های ملی؛ ارزش‌های دینی، مذهبی را به منزله‌ی مهم‌ترین شاخص‌های هویت ملی در هر کشور در هر پایه و به تفکیک مؤلفه‌ی مدنظر، مورد سنجش قرار دادیم. البته درباره شاخص ارزش‌های دینی و مذهبی باید گفت که به این شاخص در کتاب‌های درسی فارسی ابتدایی ایران ارزش‌های انقلابی هم اضافه شده است و در مورد کتاب‌های دری صنف ابتدایی افغانستان همان ارزش‌های دینی، مذهبی مبنای تحلیل قرار گرفته است. جدول‌های شماره یک و دو خلاصه یافته‌های توصیفی میزان فراوانی هر مؤلفه در هر پایه و مجموع فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی به تفکیک هر پایه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی به تفکیک مؤلفه‌ها در هر پایه

پایه	فراوانی / درصد	مفاخر ملی	تاریخی و افسانه‌های ملی و داستان‌ها، اسطوره‌ها	جغرافیا	آداب و رسوم ملی	میراث فرهنگی	ارزش‌های ملی	ارزش‌های دینی، مذهبی و انقلابی
اول	فراوانی	-	۱	۵	۱	۱	۲	۸
	درصد	-	۹/۰۹	۵۰	۳۳/۳۳	۱۶/۶۶	۱۲/۵	۴۲/۱۰

۲	۳	-	۲	۲	۱	۱	فراوانی	دوم
۱۰/۵۲	۱۸/۷۵	-	۶۶/۶۶	۲۰	۹/۰۹	۵/۵۵	درصد	
۲	۲	۱	-	۲	۳	۲	فراوانی	سوم
۱۰/۵۲	۱۲/۵	۱۶/۶۶	-	۲۰	۲۷/۲۷	۱۱/۱۱	درصد	
۲	۲	۱	-	۱	۱	۴	فراوانی	چهارم
۱۰/۵۲	۱۲/۵	۱۶/۶۶	-	۱۰	۹/۰۹	۲۲/۲۲	درصد	
۳	۴	۱	-	-	۴	۷	فراوانی	پنجم
۱۵/۷۸	۲۵	۱۶/۶۶	-	-	۳۶/۳۶	۳۸/۸۸	درصد	
۲	۳	۲	-	-	۱	۴	فراوانی	ششم
۱۰/۵۲	۱۸/۷۵	۳۳/۳۳	-	-	۹/۰۹	۲۲/۲۲	درصد	
۱۹	۱۶	۶	۳	۱۰	۱۱	۱۸	فراوانی	مجموع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

جدول شماره‌ی ۲: مجموع فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی
به تفکیک هر پایه

پایه	مجموع فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی	درصد
اول	۱۸	۲۱/۶۸
دوم	۱۱	۱۳/۲۵
سوم	۱۲	۱۴/۴۵
چهارم	۱۱	۱۳/۲۵
پنجم	۱۹	۲۲/۸۹
ششم	۱۲	۱۴/۴۵
مجموع	۸۳	۱۰۰

براساس داده‌های جدول شماره دو، در کتاب فارسی پایه اول از مجموع ۷ مؤلفه تنها در ۱۸ مورد و به میزان ۲۱/۶۸ درصد به هویت ملی پرداخته شده است. اگرچه برای پایه اول این میزان توجه به مقوله هویت ملی تا حدودی قابل پذیرش است؛ اما انتظار می‌رود که هرچه جلوتر برویم میزان توجه به مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در

کتاب‌های فارسی افزایش یابد تا بتوانیم به درونی‌شدن این مؤلفه‌های هویت‌بخش امیدوار باشیم؛ اما یافته‌ها متفاوت است و این انتظار را برآورده نمی‌کند. همان‌طور که جدول شماره دو نشان می‌دهد این فراوانی در سال‌های دوم، سوم، چهارم و ششم به ترتیب ۱۱، ۱۲، ۱۱، ۱۲ و به میزان ۱۳/۲۵، ۱۴/۴۵، ۱۳/۲۵ و ۱۴/۴۵ درصد است و تنها در فارسی دوره پنجم است که فراوانی آن به ۱۹ و ۲۲/۸۹ درصد می‌رسد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی که از مهم‌ترین مقاطع آموزش‌پذیری، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری کودکان است ضعیف است.

هم‌چنین داده‌های جدول شماره‌ی یک مبین میزان اهمیت هویت ملی براساس هر مؤلفه در هر پایه است. بنابراین مؤلفه ارزش‌های دینی، مذهبی و انقلابی با ۱۹ بار تکرار در مجموع پنج پایه، بیشترین فراوانی را دارا است. پس از آن مؤلفه مفاخر ملی با ۱۸ بار تکرار در رتبه دوم، ارزش‌های ملی با ۱۶ بار تکرار در رتبه سوم، داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های تاریخی و ملی با ۱۱ بار تکرار در رتبه چهارم، جغرافیا با ۱۰ بار تکرار در رتبه پنجم، میراث فرهنگی با ۶ بار تکرار در رتبه ششم و آداب و رسوم ملی با ۳ بار تکرار در رتبه هفتم قرار دارند.

جدول شماره‌ی ۳: فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در کتب درسی صنف ابتدایی افغانستان
به تفکیک مؤلفه‌ها در هر پایه

صنف	فراوانی / درصد	مفاخر ملی	داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های ملی و تاریخی	جغرافیا	آداب و رسوم ملی	میراث فرهنگی	ارزش‌های ملی	ارزش‌های دینی، مذهبی
اول	فراوانی	-	-	۱	-	-	۳	۶
	درصد	-	-	۵۰	-	-	۱۷/۶۴	۳۷/۵
دوم	فراوانی	۲	-	۱	۲	۱	۳	۴
	درصد	۱۵/۳۸	-	۵۰	۳۳/۳۳	۱۰۰	۱۷/۶۴	۲۵
سوم	فراوانی	۱	-	-	۲	-	۴	۱
	درصد	۷/۶۹	-	-	۳۳/۳۳	-	۲۳/۵۲	۶/۲۵

۱	۲	-	۱	-	-	۴	فراوانی	چهارم
۶/۲۵	۱۱/۷۶	-	۱۶/۶۶	-	-	۳۰/۷۶	درصد	
۲	۴	-	-	-	-	۴	فراوانی	پنجم
۱۲/۵	۲۳/۵۲	-	-	-	-	۳۰/۷۶	درصد	
۲	۱	-	۱	-	-	۲	فراوانی	ششم
۱۲/۵	۵/۸۸	-	۱۶/۶۶	-	-	۱۵/۳۸	درصد	
۱۶	۱۷	۱	۶	۲	-	۱۳	فراوانی	مجموع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	-	۱۰۰	درصد	

جدول شماره‌ی ۴: مجموع فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در کتب دری صنف ابتدایی افغانستان به تفکیک هر پایه

درصد	مجموع فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی	صنف
۱۸/۱۸	۱۰	اول
۲۳/۶۳	۱۳	دوم
۱۴/۵۴	۸	سوم
۱۴/۵۴	۸	چهارم
۱۸/۱۸	۱۰	پنجم
۱۰/۹۰	۶	ششم
۱۰۰	۵۵	مجموع

براساس داده‌های جدول‌های شماره‌ی سه و چهار، در کتاب دری صنف اول از مجموع ۷ مؤلفه تنها در ۱۰ مورد و با ۱۸/۱۸ درصد به هویت ملی پرداخته شده است. برای صنف اول این میزان توجه به مقوله هویت ملی بسیار ضعیف است؛ اما انتظار می‌رود که هرچه جلوتر برویم میزان توجه به مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در کتاب‌های دری افزایش یابد تا بتوانیم به درونی‌شدن این مؤلفه‌های هویت‌بخش امیدوار باشیم؛ اما یافته‌ها متفاوت است. همان‌طور که جدول شماره‌ی چهار نشان می‌دهد این فراوانی فقط در سال دوم افزایش یافته و به ۱۳ مورد (۲۳/۶۳ درصد) رسیده است؛ اما در سال‌های سوم، چهارم و ششم کاهش یافته است و فراوانی آن در سال ششم کاهش زیادی را

نشان می‌دهد و به شش مورد با ۱۰/۹۰ درصد تقلیل می‌یابد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی، در کتاب‌های درسی دری صنف ابتدایی، بسیار ضعیف است.

هم‌چنین داده‌های جدول شماره‌ی سه مبین میزان اهمیت مقوله هویت ملی براساس هر مؤلفه در هر صنف است. یافته‌ها نشان می‌دهد مؤلفه‌ی ارزش‌های ملی در مجموع پنج صنف، ۱۷ بار تکرار شده است و دارای بیشترین فراوانی است. پس از آن مؤلفه‌ی ارزش‌های دینی و مذهبی با ۱۶ بار تکرار در رتبه دوم، مفاخر ملی با ۱۳ بار تکرار در رتبه سوم، آداب و رسوم ملی با ۶ بار تکرار در رتبه چهارم، جغرافیا با ۲ بار تکرار در رتبه پنجم، میراث فرهنگی با ۱ بار تکرار در رتبه ششم قرار دارند. در هیچ یک از کتاب‌های دری صنف ابتدایی به مؤلفه داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های تاریخی و ملی پرداخته نشده است.

جدول شماره‌ی ۵: مقایسه فراوانی مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی مشترک بین کتب فارسی ابتدایی ایران و کتب دری ابتدایی افغانستان در هر پایه

پایه	مؤلفه‌های هویت‌بخش مشترک	درصد	صنف	مؤلفه‌های هویت‌بخش مشترک	درصد
اول	۸	۱۶	اول	۷	۱۷/۵
دوم	۷	۱۴	دوم	۸	۲۰
سوم	۶	۱۲	سوم	۵	۱۲/۵
چهارم	۶	۱۲	چهارم	۵	۱۲/۵
پنجم	۱۱	۲۲	پنجم	۹	۲۲/۵
ششم	۱۲	۲۴	ششم	۶	۱۵
مجموع	۵۰	۱۰۰	مجموع	۴۰	۱۰۰

در جدول شماره‌ی پنج به مقایسه مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی مشترک بین کتاب‌های فارسی ایران و کتاب‌های دری افغانستان پرداخته شده است. شاخص‌هایی از قبیل آداب و رسوم ملی مشترک، مفاخر ادبی و علمی مشترک بین دو کشور، ارزش‌های ملی مشابه، ارزش‌های مشترک مذهبی در این جدول مقایسه شده است که بیشترین فراوانی آن برای کتاب‌های فارسی با عدد ۱۲ و ۲۴ درصد مربوط به پایه ششم است. هم‌چنین بیشترین فراوانی مؤلفه‌های هویت‌بخش مشترک در کتاب‌های دری مربوط به

صنف پنجم با فراوانی ۹ و ۲۲/۵ درصد است. کمترین فراوانی هم برای کتاب‌های فارسی و هم برای کتاب‌های دری مربوط به پایه‌های سوم و چهارم است. در کتاب‌های فارسی در پایه‌های سوم و چهارم با فراوانی ۶ (۱۲ درصد) و در کتاب‌های دری در صنوف سوم و چهارم با فراوانی ۵ (۱۲/۵ درصد) است. در مجموع ۶ پایه، در کتاب‌های فارسی به ۵۰ مؤلفه‌ی هویت‌بخش ملی مشترک و در کتاب‌های دری به ۴۰ مؤلفه‌ی هویت‌بخش ملی مشترک بین دو کشور ایران و افغانستان پرداخته شده است که نشان از اشتراکات فرهنگی، ارزشی، تاریخی میان دو کشور دارد.

نتیجه‌گیری

در نظام آموزشی متمرکز، کتاب‌های درسی نقش ویژه‌ای در هویت‌بخشی به دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. در میان کتاب‌های درسی هم کتاب فارسی به‌مثابه آینه‌ای فرهنگی ابزاری بسیار مناسب برای تقویت هویت ملی کودکان به‌شمار می‌رود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان تأکید بر مؤلفه‌های گوناگون هویت‌بخش ملی متوازن و متعادل نیست. به‌نحوی که در کتاب فارسی پایه اول از مجموع ۷ مؤلفه‌ی مورد بررسی تنها در ۱۸ مورد (۲۱/۶۸ درصد) به هویت ملی پرداخته شده است و این توزیع هم متوازن نبوده است؛ به نحوی که ارزش‌های دینی - مذهبی و انقلابی با ۸ مورد دارای بیشترین فراوانی است و مفاخر ملی هم در محتوای درسی کتاب فارسی دوره اول ابتدایی اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است. هم‌چنین در کتاب فارسی دوره دوم هم از مجموع ۷ مؤلفه مورد بررسی تنها در ۱۱ مورد (۱۳/۲۵ درصد) به هویت ملی پرداخته شده است. در این میان مؤلفه ارزش‌های ملی با ۳ مورد دارای بیشترین فراوانی است و مؤلفه میراث فرهنگی هم مدنظر قرار نگرفته است. بررسی کتاب فارسی سال سوم هم نشان می‌دهد که تنها در ۱۲ مورد (۱۴/۴۵ درصد) به مؤلفه هویت ملی پرداخته شده است. بیشترین فراوانی (۳ مورد) مربوط به داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های ملی و تاریخی است و به آداب‌ورسوم ملی هم اصلاً توجه نشده است.

در کتاب فارسی سال چهارم هم در ۱۱ مورد (۱۳/۲۵ درصد) به هویت ملی پرداخته شده است. بیشترین فراوانی پرداختن به هویت ملی عدد ۴ و مربوط به مفاخر ملی است و به آداب‌ورسوم ملی هم اصلاً پرداخته نشده است. تحلیل محتوای کتاب فارسی سال پنجم هم حاکی از آن است که از ۱۹ مورد (۲۲/۸۹ درصد) بیشترین فراوانی مربوط به مفاخر ملی (۷ مورد) است و آداب‌ورسوم ملی و جغرافیا هم اصلاً

کانون توجه برنامه‌ریزان درسی نبوده است. بررسی کتاب فارسی سال ششم هم نشان می‌دهد که از ۱۲ مورد (۱۴/۴۵ درصد) مجدداً مفاخر ملی با ۴ مورد دارای بیشترین فراوانی است و به مؤلفه‌های آداب و رسوم ملی و جغرافیا هم اصلاً پرداخته نشده است. هم‌چنین داده‌های جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که مجموع فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی در مجموع ۸۳ نمونه است و طبق جدول شماره ۴ که مجموع فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در کتب درسی صنف ابتدایی افغانستان را نشان می‌دهد مجموع فراوانی این مؤلفه‌های هویت ملی ۵۵ مورد بوده و بدین ترتیب فرضیه نخست مقاله براساس مستندات و یافته‌های ذکر شده تأیید می‌شود. هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه ارزش‌های دینی، مذهبی و انقلابی با ۱۹ بار تکرار در مجموع پنج پایه، دارای بیشترین فراوانی است. پس از آن مؤلفه مفاخر ملی با ۱۸ بار تکرار در رتبه دوم، ارزش‌های ملی با ۱۶ بار تکرار در رتبه سوم، داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های تاریخی و ملی با ۱۱ بار تکرار در رتبه چهارم، جغرافیا با ۱۰ بار تکرار در رتبه پنجم، میراث فرهنگی با ۶ بار تکرار در رتبه ششم و آداب و رسوم ملی با ۳ بار تکرار در رتبه هفتم قرار دارند؛ بنابراین فرضیه دوم مقاله براساس یافته‌های ذکر شده تأیید می‌شود.

درخصوص کتاب‌های درسی صنف ابتدایی افغانستان هم یافته‌ها نشان می‌دهد که در کتاب درسی صنف اول از مجموع ۷ مؤلفه مورد بررسی تنها در ۱۰ مورد (۱۸/۱۸ درصد) به هویت ملی پرداخته شده است. در این میان ارزش‌های دینی - مذهبی و انقلابی با ۶ مورد دارای بیشترین فراوانی است و مؤلفه‌های مفاخر ملی، داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های ملی و تاریخی، آداب و رسوم ملی و میراث فرهنگی هم در محتوای درسی کتاب درسی صنف اول اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است. هم‌چنین در کتاب درسی صنف دوم هم از مجموع ۷ مؤلفه مورد بررسی تنها در ۱۳ مورد (۲۳/۶۳ درصد) به هویت ملی پرداخته شده است. در این میان مؤلفه ارزش‌های دینی - مذهبی با ۴ مورد دارای بیشترین فراوانی است و مؤلفه داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های ملی و تاریخی هم مدنظر قرار نگرفته است. بررسی کتاب درسی صنف سوم هم نشان می‌دهد که تنها در ۸ مورد (۱۴/۵۴ درصد) به مؤلفه هویت ملی پرداخته شده است. بیشترین فراوانی (۴ مورد) مربوط به ارزش‌های ملی است و به مؤلفه‌های داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های ملی و تاریخی، جغرافیا و میراث فرهنگی هم اصلاً توجه نشده است. در کتاب درسی صنف چهارم هم از بین ۸ مورد (۱۴/۵۴ درصد)، بیشترین فراوانی

پرداختن به هویت ملی عدد ۴ و مربوط به مفاخر ملی است و در این مورد کاملاً مشابه کتاب فارسی سال چهارم ابتدایی در ایران است. به علاوه به مؤلفه‌های داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های ملی و تاریخی، جغرافیا و میراث فرهنگی هم اصلاً توجه نشده است. تحلیل محتوای کتاب دری صنف پنجم هم حاکی از آن است که از میان ۱۰ مورد (۱۸/۱۸ درصد) بیشترین فراوانی مربوط به مفاخر ملی و ارزش‌های ملی (هر مؤلفه ۴ مورد) است و مؤلفه‌های داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های ملی و تاریخی، جغرافیا، میراث فرهنگی و آداب و رسوم ملی هم اصلاً کانون توجه برنامه‌ریزان درسی این کشور نبوده است. بررسی کتاب دری صنف ششم هم نشان می‌دهد که از مجموع ۶ مورد (۱۰/۹۰ درصد) مؤلفه‌های مفاخر ملی و ارزش‌های دینی - مذهبی هر کدام با ۲ مورد دارای بیشترین فراوانی است و به مؤلفه‌های داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های ملی و تاریخی، جغرافیا، میراث فرهنگی هم اصلاً پرداخته نشده است.

بر این اساس یافته‌های مؤلفه ارزش‌های ملی با ۱۷ بار تکرار در مجموع پنج صنف، دارای بیشترین فراوانی است. پس از آن مؤلفه ارزش‌های دینی و مذهبی با ۱۶ بار تکرار در رتبه دوم، مفاخر ملی با ۱۳ بار تکرار در رتبه سوم، آداب و رسوم ملی با ۶ بار تکرار در رتبه چهارم، جغرافیا با ۲ بار تکرار در رتبه پنجم، میراث فرهنگی با ۱ بار تکرار در رتبه ششم قرار دارند. در هیچ‌یک از کتاب‌های دری صنف ابتدایی به مؤلفه داستان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های تاریخی و ملی پرداخته نشده است و بنابراین فرضیه سوم مقاله هم تأیید می‌شود.

هم‌چنین مقایسه مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی مشترک بین کتاب‌های فارسی ایران و کتاب‌های دری افغانستان برای شاخص‌هایی از قبیل آداب و رسوم ملی مشترک، مفاخر ادبی و علمی مشترک بین دو کشور، ارزش‌های ملی مشابه، ارزش‌های مشترک مذهبی و دینی نشان می‌دهد که در مجموع ۶ پایه، در کتاب‌های فارسی به ۵۰ مؤلفه هویت‌بخش ملی مشترک و در کتاب‌های دری به ۴۰ مؤلفه هویت‌بخش ملی مشترک بین دو کشور ایران و افغانستان پرداخته شده است و فرضیه چهارم مقاله هم تأیید می‌شود. هم‌چنین تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی در ایران و دری صنف ابتدایی در افغانستان نشان می‌دهد که شاخص‌هایی از قبیل آداب و رسوم ملی مشترک، مفاخر ادبی و علمی مشترک بین دو کشور، ارزش‌های ملی مشابه، ارزش‌های مشترک مذهبی و دینی نشان از اشتراکات فرهنگی، ارزشی، تاریخی میان دو کشور دارد و با توجه به اهمیت آموزش مقوله هویت ملی از دوران کودکی در نظام آموزشی

رسمی دو کشور به نظر می‌رسد ارائه‌ی پیشنهادهای زیر برای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دو کشور می‌تواند مدنظر برنامه‌ریزان قرار بگیرد:

- توزیع متوازن مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی
- افزایش گام‌به‌گام و تدریجی توجه به مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی در کتاب‌های درسی پایه‌های بالاتر، به نحوی که دانش‌آموزان در پایه‌های بعدی به‌صورت دقیق‌تر و جدی‌تر با مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی آشنا شوند.
- هماهنگی میان متن و محتوای مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی با تصاویر مربوط به آن مؤلفه‌ها
- آموزش عملی مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی به دانش‌آموزان
- توجه بیشتر به مؤلفه‌های هویت‌بخش مشترک بین دو ملت در تدوین کتاب‌های درسی، به‌منظور تقویت تعامل فرهنگی مردم ایران و افغانستان

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۳)؛ *ایران: هویت، ملیت، قومیت (مجموعه مقالات)*، تهران: مؤسسه تحقیقات علوم انسانی.
- ----- (۱۳۸۸)؛ *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم: نظریه ایدئولوژی و تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- پورشکری، علیرضا؛ شریفیان، فریدون؛ نصرافهانی، احمدرضا (۱۳۹۹)؛ «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه: براساس مؤلفه‌های میراث فرهنگی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۸۱، ش ۲۱، ۱، بهار، صص ۴۶-۲۷.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)؛ *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- خدایار، ابراهیم؛ فتحی، اعظم (۱۳۸۷)؛ «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش، مورد مطالعه: دوره متوسطه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۹، ش ۳، صص ۵۲-۲۷.
- سازمند، بهاره؛ صوراناری، حسین (۱۳۹۷)؛ «هویت و منافع روسیه در منطقه‌گرایی اوراسیایی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۸، ش ۴، صص ۱۰۰۰-۹۷۹.

- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷): *پژوهش در علوم سیاسی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- شارع‌پور، محمود؛ سلیمانی، محمدرضا؛ شکراللهی، آمنه (۱۳۹۱): «بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی»، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، س ۹، ش ۴، صص ۱۷۴-۱۷۰.
- صادق‌زاده، رقیه؛ منادی، مرتضی (۱۳۸۷): «جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ دوره متوسطه: رشته علوم انسانی»، *فصلنامه نوآوری آموزشی*، س ۱۲، ش ۲۷، صص ۱۳۶-۱۲۵.
- صالحی‌عمران، ابراهیم؛ شکیباییان، طناز (۱۳۸۶): «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۲۹، س ۸، ش ۱، صص ۸۵-۶۳.
- عبدی، عطاالله؛ لطفی، مریم (۱۳۸۷): «جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش؛ مورد مطالعه کتب تاریخ دوره دبیرستان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۹، ش ۳، صص ۷۲-۵۳.
- عمید، حسن (۱۳۷۵): *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قاسمی، حاکم (۱۳۸۷): «همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی: مورد مطالعه کتب فارسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۳۴، س ۹، ش ۲، صص ۱۶۰-۱۳۳.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۷): «روش مقایسه‌ای» در *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، به اهتمام عباس منوچهری، تهران: سمت.
- کوشا، محمدمهدی (۱۳۸۷): *دانستنی‌های سیاست: هویت*، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳): *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
- معروفی، یحیی؛ پناهی‌توانا، صادق (۱۳۹۳): «جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی - مذهبی در محتوای کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ش ۱۲۰، صص ۱۰۴-۸۳.
- منصوری، علی؛ فریدونی، آرزیتا (۱۳۸۸): «تبلور هویت ملی در کتب درسی؛ بررسی محتوایی کتاب فارسی دوره ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۳۸، س ۱۰، ش ۲، صص ۴۶-۲۷.
- نجارنهادی، مریم؛ قربانعلی‌زاده، مژده (۱۳۹۳): «تحلیلی بر هویت ملی در کتب درسی (مطالعه موردی، مطالعات اجتماعی)»، *دوفصلنامه پژوهش‌های تربیتی*، ج ۱، ش ۲۹، صص ۱۰۱-۷۹.
- Fuchs, Dieter; Klingemann, Hans-Dieter (2011); *Cultural Diversity, European Identity and the Legitimacy of the EU*, Edward Elgar Publishing Limited.
- Hund, Mark (2001); "The Development of ASEAN Norms between 1997 and 2000: A Paradigm Shift?", *Zops Occasional Papers Trier*, April, PP 1-71.
- Weller, Paul (2004); "Identity, Politics, and the Future(s) of Religion in the UK", *Journal of Contemporary Religion*, 19 (1), PP 3-21.